



امروز شما



مهر

فروردین

اردیبهشت

خرداد

تیر

دی

بهمن

اسفند

لجبازیت، تو را از دیگران متمایز می‌سازد و تو بشدت از آن راضی هستی. اما این لجبازی‌ها دوست و یا همسرت را آزار می‌دهد.

خود را در وعده‌های رنگارنگ نباید غرق کرد. چون هیچ کدام از این وعده‌ها تحقق نمی‌یابد و فقط تو می‌مانی و عمری که به هدر رفته است!

روابط اجتماعی خود را باید گسترش داد. داشتن یک رابطه سالم و گسترده تو را در انتخاب دوست یا همسر یاری می‌کند. منزوی بودن خصوصیات انسانهای شکست‌خورده و مایوس است.

باید وقت کافی به خودت بدی تا بتوانی با تفکری درست در این باره تصمیم بگیری. شتابزدگی و عجله تو را ششیمان خواهد کرد. با تأمل بیشتر می‌توان موفق‌تر شد.

رابطه با فردی تو را آزار می‌دهد. بهتر است هر چه زودتر خود را از شر او خلاص کنی. همیشه در پی کسی باش که تو را کامل کند نه اینکه موجب سقوط و نزول تو شود.

عشق است که به انسان بال پرواز می‌دهد. عشق تو را از این زندگی واقعی و روزمره جدا می‌کند و به فضای جدیدی می‌برد که پر از هیجان و امید است. بدون امید و عشق زندگی معطل می‌ماند. پس به زندگی عاطفی‌ات تکیه بده.

این زن زیبای مرموز در عکس‌های قاجاری کیست؟!



آنتوان سوروگین یکی از نخستین پیشگامان عکاسی تجاری در ایران است. او در حدود سال ۱۲۵۰ شمسی از تفلیس گرجستان به ایران آمد و بعد از مدتی در خیابان علاءالدوله (فردوسی) تهران یک مغازه عکاسی افتتاح کرد. مشتری‌های سوروگین هم درباریان قاجار بودند و هم سفرا و گردشگران اروپایی که به ایران می‌آمدند.

به گزارش فرادیده؛ نزدیکی سوروگین به دربار قاجار باعث شد که او بتواند تصاویر جالب‌توجهی را از شخصیت‌ها و رویدادهای دوران ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه ثبت کند. اما علاوه بر این، او به عکاسی از اقوام مختلف ایرانی، مردم کوچه و بازار و رسم و رسومات ایرانی‌ها نیز علاقه و توجه زیادی داشت.

عکس‌های سوروگین در حال حاضر در آرشیوهای خصوصی و



حال و هوا و فضای عکس‌ها نشان می‌دهد که این زن باید از طبقه متوسط به بالا یا حتی از اعیان بوده باشد؛ اما نشانه‌ای که بتوانیم جایگاه دقیق او یا هویتش را حدس بزنیم در عکس‌ها وجود ندارد. در مورد هیچکدام از عکس‌ها هم توضیحاتی که بتواند اطلاعاتی درباره او در اختیار ما بگذارد وجود ندارد.

در بیشتر آرشیوها صرفاً عنوان «یک زن» یا «چند زن» در توضیح عکس‌هایی که این شخص در آن‌ها حضور دارد نوشته شده است. اما یکی از آرشیوهای که دو سه عکس با کیفیت از این شخصیت را در خودش دارد، مجموعه عکس‌ها را مربوط به «حرمسرای ناصرالدین شاه» معرفی کرده است.

بعید نیست که این زن از اهالی دربار بوده باشد، اما این امکان هم هست که این آرشیو فقط به خاطر شباهت این عکس‌ها به عکس‌های مربوط به حرمسرای این عنوان کلی را به آن‌ها داده باشد. ضمن اینکه نوع عکس‌های پرتراهی که از این زن گرفته شده تا حدی متفاوت با عکس‌های معمول زنان درباری به نظر می‌رسد.

همسران ناصرالدین‌شاه معمولاً در عکس‌های تک‌نفره سیمایی جدی‌تر دارند و مستقیماً به دوربین نگاه می‌کنند. اما این زن در عکس‌های تک‌نفره و حتی دست‌جمعی‌اش ژست‌هایی نسبتاً هنری گرفته است. این حالت می‌تواند این گمان را تقویت کند که سوروگین این زن را به عنوان یک «مدل» از یک خانواده اشرافی انتخاب کرده است. در هر حال واقعیت هر چه که باشد، چهره این زن در دل عکس‌های آنتوان سوروگین به ابدیت پیوند خورده و ماندگار شده است، بدون آنکه هویتش برای ما آشکار شده باشد.

روستای زبید؛ مکانی به قدمت شاهنامه



جنگ دوازده رخ یکی از طولانی‌ترین رویدادهای شاهنامه فردوسی است که بالغ بر ۲۵۰۰ بیت دارد و محل وقوع آن با استناد به شاهنامه فردوسی بخش‌هایی از گناباد و به خصوص روستای زبید است.

به گزارش ایسنا، به گفته باستان‌شناسان و به گواه مستندات تاریخی، گناباد و دهستان زبید از جمله مناطق کهن و زندگی‌ساز بوده است زیرا گناباد اولین خواستگاه تمدن قناتی بوده، همچنین یکی از مهمترین رویدادهای شاهنامه فردوسی یعنی جنگ دوازده رخ در دشت گناباد و مجاور روستای زبید به وقوع پیوسته است؛ جنگی که پیروزی در آن برای ایرانیان بسیار حائز اهمیت بوده چرا که با پیروزی در این جنگ ایرانیان برای همیشه از شر تورانیان خلاص شدند. جنگ دوازده رخ در حاشیه جنوبی پیاپان گناباد و در دامنه کوه سیاه و به تلافی شکست ایرانیان در جنگ پشن رخ داد.

روستای زبید به دلیل اینکه اردوگاه لشکر ایران بوده و کیخسرو نیز در آنجا اقامت داشته است، به لحاظ تاریخی بسیار حائز اهمیت است و علاوه بر آن، قلعه تاریخی روستای زبید، قلعه شهاب (قله شاهنشین) و روستای درصوفه یک مثلث تاریخی بسیار مهم در دهستان زبید گناباد است که آپستن رویدادهای تاریخی بسیار با ارزشی بوده است. قلعه زبید یکی از قلعه‌های تاریخی مهم منطقه بوده که در جنوب غربی زبید و روی یک تپه به ارتفاع حدود ۲۵ متر قرار دارد. دسترسی به قلعه بر خلاف بیشتر قلعه‌های اسماعیلیه سهل و آسان است اما ساختار و تاسیسات دفاعی آن دلالت بر اهمیت آن دارد.

در مجاورت روستای زبید و در روستای در صوفه (درب صوفه) عارضه‌های ایوان مانند دره سرسبزی وجود دارد که به در صوفه معروف بوده و بنا به مستندات، آرامگاه پیران ویسه، در این محل واقع شده است.

این ایوان اگرچه طبیعی به نظر می‌رسد اما نمای ظاهری آن شباهت زیادی به ایوان‌های دوره ساسانیان و بخصوص ایوان طاق بستان در کرمانشاه دارد.

در مغرب تنگل زبید و حدود ۵ کیلومتری روستای زبید یک قله منفرد و مخروطی به چشم می‌خورد. قله شاه‌نشین (قلعه شهاب) نیز مانند قلعه زبید یک بنای ساسانی به نظر می‌رسد زیرا بر فراز یک قله منفرد و رفیع و صعب‌العبور واقع در کنار راهی که قلب فلات ایران را به قسمت‌های شرقی آن مربوط می‌کرده ساخته شده است. این قله هم از نظر سوق‌الجیشی و هم از نظر سیاسی اهمیت زیادی داشته است. شواهد فراوانی نشان می‌دهد که این قلعه برای مدت طولانی اقامتگاه فردی بسیار مهم و بنا به روایاتی اقامتگاه یزدگرد سوم بوده است. زیرا تنها سکونت یک امپراطور مانند یزدگرد سوم می‌تواند ساخت این بناهای مستحکم را در قله مرتفع سخت و صعب‌العبور و دور افتاده توجیه کند. تعدادی از ابیات شاهنامه که در آن به صراحت از زبید (زبید) نام برده شده است.

یکی سوی کوه گناباد برفت / دگر سوی زبید خرامید تفت / ز زبید زمین تا گناباد سپاه / درو دشت از ایشان کیود و سیاه / به ریید بید شاه یک هفته نیز / درم داد و دینار و هر گونه چیز

روستای زبید در ۲۰ کیلومتری جنوب غربی شهرستان گناباد واقع شده است و قلعه تاریخی آن نیز در تاریخ ۱۱ دی ۱۳۸۰ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.



محمد فیلی:

برخی فکر می‌کنند سریال‌سازی کاسبی است!



مسئولان صداوسیما منتقل کردم و تاکید داشتم افرادی مانند این تهیه کننده با کارهایشان شان تلویزیون قرار گرفت، اکنون بعد از گذشت دو هفته از عمل جراحی شرایط عمومی‌اش را خوب توصیف می‌کند و می‌گوید: ان شاءالله از یک ماه آینده می‌توانم کار کنم. فیلی که قرار است پس از بهبودی با پروژه «سلمان فارسی» داود میرباقری همکاری کند، اظهار امیدواری می‌کند تا هرچه زودتر سر کار حاضر شود. او می‌گوید: هنوز نقشی به طور دقیق از سوی آقای میرباقری برایم تعریف نشده فقط از مدت‌ها قبل دعوت شده‌ام و می‌دانم در بخش ایرانی «سلمان فارسی» حضور دارم و بخش عمده این پروژه هم همین بخش است.

این هنرمند پیشکسوت سینما و تلویزیون در گفت و گویی با ایسنا درباره وضعیت جسمی‌اش پس از گذشت دو هفته از عمل جراحی، گفت: خدا را شکر می‌کنم، حال خیلی بهتر است. یکتبینه، ۲۴ اردیبهشت ماه به بیمارستان مراجعه کردم و پس از معاینه پزشک و چکاپ کامل بخیه‌هایم کشیده شد. قرار شد شهریور ماه مجدداً برای چکاپ بروم. از این پس هر ۶ ماه یک بار باید چکاپ شوم. به لطف خداوند وضعیت خوبی دارم و مشکلی ندارم. خوشبختانه عمل خوبی پشت سر گذاشتم و از یک ماه آینده هم می‌توانم کارم را شروع کنم. فعلاً بنا بر تشخیص پزشک معالج بهتر است کمی استراحت کنم چون بدنم ضعیف شده و چون داروهایم خواب آور هستند باید بیشتر استراحت داشته باشم تا ان شاءالله کامل خوب شوم.

کارهای استانی معضلاتی دارند

بازیگر نقش شمر در سریال «مختارنامه» که این روزها سریال «طعم طعم» را روی آنتن شبکه یک سیما دارد، درباره حضورش در این مجموعه طنز استانی توضیح داد: همانطور که می‌دانید «طعم طعم» یک سریال طنز برای استان آصفهان است. همکاری با مراکز استان‌ها به خصوص از لحاظ مالی، سختی‌های خودش را دارد اما من خودم چون شهرستانی هستم تعلق خاطری به شهرستان‌ها دارم و دلم می‌خواهد در شهرستان‌ها کار کنم؛ کما اینکه تاکنون خیلی جاها رفته‌ام و سریال و تله فیلم کار کرده‌ام ولی معضلات و مشکلات خودشان هم را دارند. در کارهای استانی دستمزدها پایین است و متأسفانه پرداخت‌ها به موقع نیست.

وی تاکید کرد: به دلیل علاقه‌ای که به شهرستان‌ها دارم، حاضرم دستمزدهای پایین بگیرم و کار کنم اما متأسفانه آفتدر پرداخت‌ها بد است و به سختی می‌شود به پول رسید که خوشایند نیست. ای کاش این مشکل وجود نداشت و هنرمندان برای حضور در کارهای استانی بیشتر تشویق می‌شدند. من برای صداوسیما استان فارس هم مدت‌ها قبل کار کردم اما تهیه کننده متأسفانه نه اهل شیراز بود و نه کار هنری بلد بود و در آخر هم دستمزدمان را پرداخت نکرد و ناپدید شد. نمی‌دانم چطور تهیه‌کننده شده بود. البته من این موضوع را به

عکس روز:

دشت گل‌های بابونه در خرم آباد